



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۰/۲۶

جليل غنی هروی

## فرار از ظلمت

تاریخ پر افتخار و با عظمت چندین هزار ساله ای افغانستان شاهد امپراطوری های متمدن و در بسا موارد تاخت و تاز های جهان گشایان و نابودی این تمدنها بوده است و این ملت بوده است که دوباره زندگی را رونق داده و مدنیت دیگری را رقم زده است. افغانستان مثل تاریخ هر ملت دیگر شاهد نا آرامی ها و بی سر و سامانی ها، اختلافات، جنگهای از هر نوع، خونریزی ها و کنار آمدن ها و صلح و آرامش، ظلم و ستم، دیکتاتوری ها، ارتقا و پیشرفت و عقب گرایی و دیگر انواع رویداد های بوده است که هر ملتی در روی کره ای در این کره خاکی آنرا تجربه کرده است و خوش به حال ملت های که راه شان را گشوده و مسیر درست خود را یافته اند و امروز در قطار پیشرفته ترین، آرام ترین و مرفه ترین ها قرار دارند و یا درین راه روان هستند و سرنوشت شان را با درایت و درک درست از جریانات تاریخ، متکی بر تجارب تاریخی شان، خود تعیین نموده اند.

انتخابات پارلمانی با سه سال تأخیر بالاخره در بیست و هشتم جوزا بر گزار شد و قرار است باز هم با تأخیر نتیجه مقدماتی این انتخابات در روز های آینده از طرف کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان اعلام گردد. در باره چگونگی بر گزاری این انتخابات، چه قبل از دایر نمودن این انتخابات و چه بعد از آن، مطالب ارزشمند و مفصلی گفته شده، نوشته و خوانده شده است که ضرورتی به تکرار نیست و یا دهانی از درد های خواهد بود که مردم افغانستان در هر انتخابات، چه پارلمانی بوده و چه ریاست جمهوری، با جان باختن و قطع انگشتان شان توسط دشمنان شان آن را تجربه کرده اند. انتخاباتی که گذشت، مثل هر انتخابات دیگر در افغانستان که از تقریباً دو دهه به اینطرف دایر شده، با هر گونه تقلب و سازشها و دست بازی و زور مندی و قولدوری توام بوده است. از خریداری رای تا تهدید به مرگ و انتقال صندوق های رای به منازل و پر کردن صندوق ها و تذکره های جعلی و نا رسائی ها و بی کفایتی های بعضی از کارمندان تخنیکی و تهیة لیست های رای دهندگان و باز نشدن مراکز رای دهی به وقت و زمان آن و یا بسته بودن بعضی مراکز به دلایل و بهانه های گو نا گون و ده ها بهانه و حيله و تقلب و تزویر و نیرنگ دیگر و محروم شدن تعدادی از مردم از استفاده از حق قانونی شان.

مردم افغانستان باز هم شهامت و غیرت و وطن دوستی و تعهد شان را به یک زندگی بهتر با رفتن به پای صندوق های رای نشان دادند با وصف آنکه سی و هشت نفر شان توسط دشمنان افغانستان و پیشرفت و مردم سالاری به شهادت رسیدند ده ها نفر دیگر زخمی شدند و انگشتان ده ها نفر دیگر باز هم قطع شد.

اوضاع و شرایطی که در افغانستان حاکم است و انواع نقاضت ها از جانب گروه های مختلف، چه حاکم و چه محکوم، دامن زده شد و تعصبات گو نا گون هر روز بر شدت خود می افزود و هنوز هم دوام دارد، گاهی این هراس را در ذهن می آورد که حامیان بین المللی ملت افغانستان به این اندیشه وادار گردند که بار دیگر افغانستان را مثل سالهای ۱۹۹۲ پس از سقوط حکومت تحت الحمایه ای اتحاد شوروی سابق، به حال خودش بگذارند و بار دیگر این ملت شاهد جنگ های داخلی دیگری، این بار بنام قوم و تبار و نژاد قبیله و سمت در پهلوی عنصر مذهب، باشد و ملت و کشور را به قهقرای دیگری سقوط دهد. ولی با حضور قوای بین المللی در افغانستان و تعهداتی که جامعه ای بین المللی در قبال افغانستان داده، فکر نمی شود که ملت افغانستان بار دیگر در گرو ظلمت گروه های قرار گیرد که یک بار این ملت را به جنگ داخلی کشانیدند و تلفات و خسارات سنگین را تحمیل نمودند.

از همه این نا بسامانی ها که بگذریم، و قبول کنیم که تمام کشور ها تا رسیدن به مدارج پختگی سیاسی و ایجاد نظام مردم سالاری و تحقق آرمانهای قانونی و انسانی هموطنان، این راه پر خم و پیچ و دشوار را با همه نا بسامانی ها پیموده اند، این انتخابات گام بزرگی بود در راه رسیدن به هدف ایجاد یک جامعه قانونمند و مرفه و سهم مردم در تشکیل چنین نظامی مطابق به احکام قوانین کشور. نگاهی بر ترکیب کاندید های پارلمان امسال نشان میدهد که دو تفکر متقابل و دو دیدگاه متفاوت در تقابل با هم قرار دارند. در یک جانب بیشتر گروه های قرار دارند که در جهاد به مقابل حکومت حزب دموکراتیک خلق و تهاجم قشون سرخ بر افغانستان، سهم فعال داشتند که متاسفانه با تکیه

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

زدن بر اریکه قدرت نه تنها آمل و آرزوی مردم افغانستان را زیر پا نمودند و برای حفظ و یا کسب قدرت چنان به توپ و تفنگ و کشتار مخالفین یک دیگر رو نمودند که هم شهر کابل و بعضی شهر های دیگر را ویران کردند و هم ده ها هزار انسان بیگناه را شهید ساختند. این گروه ها حتی بعد از سقوط حکومت متحجر طالبی و تشکل نظام سیاسی موجود و حکومت وحدت ملی پس از آن هم، در حالی که در قدرت شریک بودند، در عین حال در صف مخالفین دولت هم قرار داشتند که پی آمد آن بر همگان روشن است.

در جانب دیگر ترکیبی از جوانانی قرار دارند که از خاکستر جنگ و نا بسامانی های گو نا گون سی سال بر خاسته و با نیرو تفکر جدید و آراسته با فرهنگ جدید و علم و تکنالوژی جدید و همچنان تکنوکرات ها و بعضی جناح های هستند که آنها نیز به نحوی از انحاء در جریان مقاومت مردم افغانستان در مقابل قشون سرخ سهم داشتند و فعال بودند ولی در جمله ای گروه های معتدل محسوب میشدند. این دو گروه از نگاه طرز تفکر و روشها تفاوت های کلی دارند. در حالیکه این نسل جدید و نیروی جدید سیاسی بیشتر بر برنامه های اقتصادی و دید تازه برای آینده ای افغانستان تاکید دارد، آنانیکه در صف مقابل قرار دارند بیشتر بر افتخاراتی تاکید میکنند که در سالهای جهاد به آن دست یافته و حاکمیت سیاسی را بر افغانستان حق مسلم خود میدانند. آنها فرصت کافی به خصوص در هشت سال گذشته که تعدادی از آنها عضو شورای ملی افغانستان بودند، داشتند که اشتباهات گذشته را جبران نمایند و از طریق وفا داری به منافع ملی و گذشتن از منافع شخصی و گروهی، به ملت افغانستان ثابت سازند که واقعاً اهداف عالی برای خدمت گذاری به ملت دارند که با تأسف تعداد بیشتر این گروه در زد و بند های سیاسی و جمع آوری ثروت و اخذ قرار داد و تعیین بی کفایت ها بر کرسی های پر در آمد و ارسال فرزندان شان به سفارت ها و وزارت ها و کرسی های پر در آمد گمرکات و سایر مراجع پول آور و اندوختن سرمایه، کار دیگری نکرده اند. شاید هم یکی از دلایلی که آنها از هر وسیله ای برای جلو گیری از کنار نرفتن از صحنه ای فعال سیاسی افغانستان کار می گیرند، هم همین منافع شخصی باشد. این گروه با تعلقات شان به تنظیم ها و گروه ها و احزاب سیاسی که تعداد آنها اکنون به شصت و هشت حزب و گروه سیاسی و یا بیشتر از آن رسیده، بدون شک جزئی از هر گونه انکشاف و جریان سیاسی خواهند بود که در افغانستان اتفاق می افتد ولی بقای هر یک از این احزاب و گروه ها بستگی به عمل، دید گاه های سیاسی و اقتصادی آنها برای کشور دارد. ملت امروز افغانستان ملتی است که از خاکستر جنگ بر خاسته و نشان داد که هم علاقمند به سرنوشت کشور و امور سیاسی کشورش میباشد و هم تصمیم دارد که حاکم بر سرنوشت خویش باشد و ارزیابی های هم از جریان چند سال اخیر و اوضاع منطقه و جهان دارد. بازی با سرنوشت این ملت بازی با آتش است و دیگر حوصله آن، از گروگان بودن در ظلمت خودخواهی ها، بسر آمده است. امید همه مردم افغانستان به نیروی جوان است که اگر زورمندان و قدرتمندان باز هم صندوق ها را از آرای گوسفندی پر نکنند، این جوانان و نیروی جدید سیاسی از مردم افغانستان به وجه احسن نمایندگی نمایند و منافع ملی را بر منافع شخصی و گروهی رجحان دهند.

پایان